خوراک جان

قال الامام الحسن(ع) :«عَجِبْتُ لِمَنْ یتَفَکَّرُ فی مَأْکُولِهِ کیفَ لا یتَفَکَّرُ فی مَعْقُولِهِ فَیجَنِّبُ بَطْنَهُ ما یؤْذیهِ وَ یودِعُ صَدْرَهُ ما یرْدیهِ.»

امام حسن (ع) فرمودند: در شگفتم از کسی که در خوراکیهای خود اندیشه می‌کند ولی درباره معقولات خویش اندیشه نمی‌کند. پس از آنچه معده‌اش را اذیت می‌نماید دوری می‌کند، در حالی که سینه خود را از پست‌ترین چیز پر می‌کند.

بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۸

زبان سرخ

به مناسبت هفته آخر آذر ماه، هفته پژوهش!

پیشرفت جوامع و تکامل تمدن ها وابستگی مستقیم به فرایند پژوهش و دین وثیق به پژوهشگران کارامد و زبده دارد. چرا که یک تحقیق سازنده و جامع می تواند در هر زمینه به یاری زندگی بشریت آید و گره از مشکلات بگشاید.

در گذشته فرایند پژوهش بسیار دشوار بود و پژوهشگر، برای دستیابی به محصولی نهایی، میبایست مشکلاتی از قبیل عدم وجود ترجمه مناسب از منابع پژوهشی، در دسترس نبودن و نامناسب بودن کیفیت منابع، نبود بانکهای اطلاعاتی دسته بندی شده شایسته، و ...، را از سر بگذراند. در دوران کنونی، اگرچه بسیاری از این مشکلات رفع گردیده است، علاوه بر رکود و انجماد در محتوا و مفهوم، در فرم و ساختار پژوهشها، به ویژه در حوزههای علمیه، با اوضاعی به شدت خجالت آور روبرو هستیم. مشکلاتی از قبیل نداشتن روش پژوهش ساختارمند، نبود اطلاع کافی از پژوهشهای انجام شده، رعایت نکردن پاراگراف بندی منسجم و علمی در نگارش، نبودن ارتباط ارگانیک میان پژوهشها و انجام پژوهشهای مشابه و تکراری، نمونهای از خطاهای مرسوم رایج در این زمینه است؛ چه سرمایههای انسانی و مالی که در راه فعالیتهایی به اصطلاح پژوهشی، به هدر رفته و می‌رود و چه آثاری که با عنوان تحقیق و بدون رعایت معیارهای آن، به جامعه عرضه شده و به طالبان دانش فروخته شده است.

آنچه مسلم است، امر پژوهش در مجامع علمی اعم از دانشگاهها و حوزههای علمیه به شدت محتاج فعالیت روزافزون و ای بسا اصلاحات مبنایی میباشد. در واقع انتظار تاریخی از پژوهشگران، بسیار فراتر از نقش آفرینی کنونی ایشان میباشد. پژوهشگر به مثابه چراغ روشنگر پیشرو، می بایست با توجه به اقتضائات جامعه، نسخه های قابل اجرا ارائه دهد و در نقش هدایت گری، در صدد رفع کاستیها و از بین بردن خلعهای موجود، برآید.

در پایان، به مناسبت قرابت روز پژوهش و سالمرگ خدمتگزار پژوهش، تقی خان امیرکبیر، یادبودی از ایشان میآوریم: میرزا تقی خان امیرکبیر، اهل فراهان و دست پرورده خاندان قائم مقام فراهانی بود. فراهان همچون تفرش و آشتیان، در آن دوران کانون فرهنگ دیوانی و اهل قلم بود. امیرکبیر اقدامات فراوانی در دوران کوتاه صدارت خود صورت داد که عمدهی این اقدامات، در راستای علم پروری و فرهنگ دوستی بود، از جمله: تأسیس دارالفنون، نشر علوم جدید، ترویج صنایع جدید، فرستادن ایرانیان به خارج برای تحصیلات و تدریس در ایران، ترویج ترجمه و انتشار کتب علمی، ایجاد روزنامه و انتشار کتب، تعیین مشی سیاسی معینی در سیاست خارجی، تأسیس چاپارخانه، تاسیس بیمارستان و... .

پرونده آیینی: به بهانه ایام میلاد پیامبر اسلام(ص) و مسیح(ع)

اسلام و مسیحیت: نگاهی به کتاب «ارتباط اسلام با مسیحیت» تالیف استاد دانشگاه الازهر، امین الخولی

نویسنده معتقد است ارتباط میان مسیحیت و اسلام در شرق موضوع پژوهش های فراوانی بوده است، ولی ارتباط میان آن دو در غرب، موضوع پژوهش هایی از این دست قرار نگرفته است.

نویسنده فصل اول کتابش را به مطالعه ارتباط مادی میان این دو دین و استدلا ل بر تحقق این ارتباط از طریق یاد کرد شماری ازوقایع تاریخی که گویای چنین ارتباطی است اختصاص داده است. یکی از برجسته ترین نمودهای ارتباط میان اسلام و مسیحیت رویارویی جنگی میان این دو طرف، و به ویژه دست یافتن ارتش فتح اسلامی به قلب اروپا دراسپانیا و جنوب فرانسه و ناپل ایتالیا از نیمه قرن هفتم تا قرن دهم میلادی یعنی عصر اصلاح مسیحی، است.

یکی از آثار این جنگ ها آن بود که طرفین از یکدیگر اسیر می گرفتند و از شاخص های فکری و دینی و علمی ملتی که تحت اسارتشان بودند، سخن می گفتند. یکی از پرآوازه‌ترین این اسیران اسیری است که با نام «لیون افریقایی» شناخته شده و او همان علی بن حسین بن محمد الوزان الغرناطی الفاسی است که به دست دزدان دریایی اسیر شد و او را به پاپ لیون ششم اهداکردند و او یک سال وی را تحت نظر خود قرار داد تا تعالیم مسیحیت را فرا گیرد و سپس به دست خود او را تعمید داد وپاپ لیون نام خود رابر او نهاد. «لیون» مدتی در ایتالیا ماند و سپس به افریقا رفته و دوباره به آغوش اسلام بازگشت. لیون کتاب هایی نوشت که یکی از آنها درباره قانون و عقیده در اسلام است. وی این کتاب را در زمان اقامتش در اروپا و در زمان انقلاب اصلاحی (رنسانس) میان سال های ۱۵۱۶ تا ۱۵۲۹ تألیف کرد.

یکی از آثار جنگ‌های میان مسلمانان و مسیحیان، بر جای ماندن نقاطی دینی در گوشه و کنار مناطق مسیحی است، مانند مسجد اسلامی قسطنطنیه که مسلمانان آن را در طی لشگر کشی مسلمه بن عبدالملک به این شهر در سال ۹۸ هجری بنا نهادند. این نقاط دینی نیز در پیوند وارتباط میان اسلام و مسیحیت در غرب و شناسایی آنها به یکدیگرسهیم بوده اند.

افزون بر ارتباطات جنگی و سیاسی، روابط تجاری و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی میان مسلمانان و مسیحیانِ غرب، در آشنایی غرب با بسیاری از آراء و عقائد اسلامی سهیم بوده است.

فصل دوم کتاب در پی اثبات ارتباط معنوی میان این دو دین است. زندگی اجتماعی و عقلی و دینی در غرب در دوره‌ای که از قرن هشتم تاسیزده هم امتداد داشته، بی خبر و خاموش بوده است. در این دوره اشراف و بزرگان، جاهلانی درس ناخوانده بودند که اسناد و قوانین مهم را با ترسیم تصویر صلیب تایید می کردند.

در این شرایط، ارتباط معنوی میان اسلام و مسیحیت آغاز شد و فرهنگ اسلامی نقش راهنمایی امین را ایفا کرد و مواد درسی فراوانی دراختیار دانش پژوهان غربی قرون وسطی قرار داد. تأثیرپذیری مسیحیان از فرهنگ اسلامی چندان بود که تا قرن پانزدهم تمام کارهای دانشمندان شناخته شده غرب، تقلید کارهای عرب‌ها بود.

بسیاری از علمای غرب در سرزمین خود به دست عرب‌ها آموزش دیدند که از میان آنان می‌توان به پاپ سیلوستر دوم در سال ۹۹۹م اشاره کرد. پس از آموزش نوبت انتقال معارف و علوم از عربی به زبان های اروپایی رسید. تأیید و حمایت پادشاهان عرب و تأسیس مراکز خاصی برای این کار، به شکوفایی و گسترش این جنبش کمک کرد. امین الخولی برای استدلال بر صحت این ادعا به سه شاهد اشاره می کند:

۱. آشنایی اروپاییان با زبان عربی که زبان معارف اسلامی و دین اسلام بوه است.

۲. ارتباط میان اروپا و ملل مسلمان، به سبب ارتباط قوی‌ای که در آن زمان میان فلسفه و زندگی دینی وجود داشت.

۳. آشنایی اروپاییان با علوم دینی اسلامی به طور خاص.

بدیهی بود که ارتباط جنگی و سیاسی و تجاری و علمی میان دو طرف، اروپاییان را به فراگیری زبان عربی وادارد. در نتیجه کسانی مانند پاپ سیلوستر دوم و فیلسوف پرآوازه آلبرت کبیر و شاه فردریک دوم به خوبی زبان عربی را می دانستند.

اما درباره ارتباط فلسفی میان غرب و سرزمین های اسلامی، می‌توان گفت که فلسفه قرون میانه تحت رهبری و پیشگامی مسلمانان بوده است. و با توجه به ارتباط فلسفه با بعد الهیاتی و متافیزیک در این دوره، اروپاییان به مطالعه فلسفه اسلامی از کِنْدی گرفته تا فارابی و ابن سینا وغزالی و ابن رشد و... روی آوردند. در آستانه قرن دوازدهم میلادی نیمی از تألیفات غزالی به زبان های لاتین ترجمه شده بود. برای مثال یوحنا دنس اسکات اسکاتلندی در قرن چهاردهم تحت تأثیر ارسطو مَآبی اسلامی و به ویژه ابن سینا بوده است. همچنانکه قدیس توماس آکویناس ایتالیایی هم متأثر از ابن رشد و غزالی بوده است.

در نهایت، الخولی این کتاب را با سخنی از آلفرد گیوم درباره میراث اسلام درفلسفه و الهیات به پایان می‌برد که می‌گوید: اگر روزی گنج‌های موجود درکتابخانه‌های اروپایی چهره‌گشایی کنند، خواهیم دید که تأثیر جاودانه عرب‌ها در تمدن قرون میانه بسی بزرگ تر از آنچه بوده است که تا کنون شناخته‌ایم.

پژوهش امین الخولی، به لحاظ اصالت ایده و جدیت و واقع گرایی علمی و دقت تحلیلی و گستره منابع و به ویژه منابع بیگانه، پژوهشی ممتاز است و وی در استدلال بر ادعاهایش فراوان از منابع غربی ومسیحی بهره برده و اقتباس کرده است.

کند و کاو: در مورد چاه جمکران چه می‌دانیم؟

طی استفتائاتی که از مراجع عظام و بزرگان و علما صورت گرفته است، ایشان هم برای چاه موضوعیتی قائل نیستند. به این معنی که این چاه، تشخص علی حدّه‌ای داشته و یا اینکه تقدّس ویژه‌ای حائز باشد و یا به دستور امام زمان(ع) حفر شده باشد، را قبول ندارند. اما درباره‌ی اصل عریضه‌نویسی باید گفت که علما و نیز متون شرعی ما، بر این کار صحّه می‌گذارند. در واقع بحث عریضه نویسی یک حرکت نمادین و مستند به رفتارهای اصیل دینی است. عریضه نویسی یکی از راه‌هایِ توسّل مورد اشاره در احادیث می‌باشد و البته توسل، جزو مبانی دینی ماست. مستندات عملی فراوانی نیز در این باره در سیره‌ی علمای خلف و سَلف از جمله آیات عظام بروجردی، گلپایگانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و دیگران مشاهده شده است. باید خاطرنشان کرد که بنا بر نصوص دینی موجود، عریضه را می‌توان در هر چاهی که در آن آب روان است، می‌توان انداخت، کما اینکه در این روایت بدان اشاره شده است: «...ثم تطوی الرقعه و تجعلها فی بندقه طین ثم اطرحها فی ماء جار او فی بئر فانه سبحانه یفرج عنک؛ نامه عریضه را می‌پیچی و در میان گِل قرار می‌دهی و در آب جاری یا در چاهی می‌اندازی، همانا خدای سبحان گشایشی حاصل می‌فرماید.»

در جواب کسانی که عریضه نویسی را نوعی عقب ماندگی، خرافه انگاری و ارتجاع می‌دانند، می‌توان گفت: در دنیای غرب و مسیحی، که داعی تمدن و پیشرو بودن را دارند، شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و نخبه، و نیز مردم عادی، اعمال توسّلی همچون دست گذاشتن بر دامان دیوار نُدبه در اورشلیم و قرار دادنِ عریضه‌ی خود را در آن، را انجام می‌دهند. حال آنکه عریضه نویسی در تشیع و اسلام، منطبق بر دلایل نقلی، سیره بزرگان، و احیانا دلایل کلامی می‌باشد.ت که چاه جمکرانَ، به خودی خود، ویژگی و تقدس خاصی ندارد و آن نیز در ذیل عموم روایات عریضه نویسی و انداختنِ عریضه در آب روان، قرار می‌گیرد و هاله‌ی تقدس ایجاد شده پیرامون چاه جمکران، صرفا به سبب مقارن بودن با فضای معنوی مسجد جمکران است و نه هیچ چیز دیگر.

ساختنِ سرنوشت

ای انسان، تو سازنده تاریخ و آینده هستی، تو قیامتت را هم خودت می‌سازی، حتی بهشت و دوزخ به دست تو ساخته می‌شود.

شهید بهشتی(ره)

تالار اندیشه: حافظ رجب بُرسی

رضی الدین حافظ، رَجَب بن محمّد بن رَجَب بُرسی (متولد حدود ۷۴۳ قمری، متوفی ۸۱۳ یا ۸۱۵ قمری) اندیشمند، حدیث شناس، فقیه، و ادیب، از اهالی حلّه‌ی عراق می‌باشد. البته درباره زادگاه وی اختلافات زیادی وجود دارد و شواهد بسیاری، در آثار و در زندگانی او، وجود دارد که فرضیه ایرانی بودن و یا اقامت طولانی مدت وی در ایران را تقویت می‌کند.

مدفن برسی به طور قطع معلوم نیست؛ برخی محل آن را بدون ذکر مأخذ و دلیل قبرستان قتلگاه مشهد ذکر می کند که مدفن طبرسی صاحب مجمع البیان نیز در آنجا است، برخی نیز قبر او را در وسط باغی در اردستان دانسته‌اند. در این که چرا به «حافظ» معروف است، احتمالاتی داده‌اند. از جمله اینکه چون هزار حدیث را با متن و سند حفظ داشته، به او حافظ گفته‌اند. آگاهی وسیع بُرسی در کتاب مشهورش، مشارق الانوار، این معنا (محدث بودن) را تایید و احتمالات دیگر را ضعیف می‌کند.

تا مدت‌ها پس از مرگش در هیچ یک از تذکره‌ها، ترجمه یا شرح حالی از او دیده نشده است. ظاهرا حسن بن محمّد دیلمی در اعلام الدین، نخستین کسی است که از بُرسی مطلبی نقل کرده است. احتمالا اولین تذکره نویسی که به طور مسبوط به شرح حال وی پرداخته اند شیخ حر عاملی و میرزا عبدالله افندی باشند. در شرح حالی که شیخ حر عاملی از او ارائه کرده، وی را حدیث شناس، فقیه و ادیب دانسته است و در کتاب دیگرش، بارها او را «عارف» خوانده است.

درباره عرفان او باید یادآور شد که زمینه ای پر رنگ از عرفان نظری در سراسر نوشته‌های برسی وجود دارد. بُرسی بر اسراسر حروف و اعداد نیز آگاهی داشت و این امر در سراسر آثارش به ویژه در مشارق الانوار، در شرح اخبار، به یارش آمده است. وی از ذوق ادبی نیز بهره داشت و افزون بر توانایی در نثر در سرودن شعر نیز چیره دست بود. تا کنون آثاری به حافظ برسی نسبت داده شده است که عمدتا رساله های مختصری است که وی به منظور اظهار ارادت به ائمه اطهار (ع) به ویژه امام علی (ع) نوشته است، مانند: مشارق الانوار اليقين فی أسرار اميرالمومنين (ع)، تفسیر سوره توحید، أسرار النبی و فاطمهٔ و الائمهٔ (ع) و... .

کتاب «مشارق الانوار اليقين فی أسرار اميرالمومنين» مهمترین و معروف‌ترین اثر بُرسی است که با شیوه‌ای بدیع و ابتکاری و با استفاده از مبانی عرفان نظری به شرح و تفسیر مناقب و فضایل اهل بیت(ع) به ویژه امام علی(ع) پرداخته است. بُرسی در این اثر، روایات خاصی را که مربوط به فضایل حضرات معصومان(ع) بوده نقل نموده که پیش از او کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بُرسی در اظهار اندیشه هایش بی پروا بوده و این معنا سبب شده تا عده‌ای او را مورد طعن قرار دهند. مهمترین انتقادی که از سوی مخالفین، به کتاب مشارق الانوار اليقين می شود، به دلیل غلوآمیز بودن و ارائه مطالبی نامعقول و نامفهوم می‌باشد. شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و سید محسن امین به این نکته توجه داده و می‌گویند کتاب مشارق، مشتمل بر مطالب افراطی و غلو آمیز و گاه مضرّ است. اما سید محسن امین این را یادآور می‌شود که مطالب این کتاب به گونه‌ای نیست که اعتقادات حافظ برسی زیر سوال برود و او مورد اعتماد نباشد.

برخی نیز معتقدند در کتاب مشارق الانوار صدها حدیث دروغ نقل شده است و این کتاب صرفا در میان شیخیه و کشفیه و غلات طرفداران بسیاری دارد. همین انتقاد ها موجب گشته است علامه مجلسی روایاتی را که وی بدان متفرد بوده است، در خور اعتماد نشمرد.

در واقع آنچه از غرابت در آثار برسی به خصوص مشارق الانوار دیده می شود، بخش ناشی از اخبار متفرد او است که در دیگر متون حدیثی شیعه نشانی از آن نیست و بخشی دیگر ناشی از شروحی است که وی بر خبرهای گوناگون به دست داده است. درباره تفرد او در نقل روایات از جمله روایاتی بلند مانند «خطبه افتخار» و در «خطبه تطنجیه» باید توجه داشت که وی به طیف در خور توجهی از منابع متقدم شیعه دسترسی داشته است.

با این همه کسانی نیز از این کتاب دفاع کرده‌اند. از آن جمله علامه امینی که می‌گوید: استاد حافظ رضی الدین رجب برسی حلی از دانشوران عارف مشرب امامی و از فقیهانی است که در دانش‌هایی چند دست داشته، با آن برتری آشکارش در هنر حدیث و پیشروی در ادبیات و سخن‌سرائی‌های نیکو و چیرگی در دانش حروف و رازهای آن و بیرون کشیدن سودهایش. علامه امینی پس از نقل روایاتی، می گوید: در کجا می‌توانیم مرز برتری ها و سرفرازی هایی را بنگریم گه پروردگار به معصومان بخشیده است؟ ولی می توانیم از همه سر بلندی هایی آگاه شویم که خداوند ویژه‌ی آنان گردانیده؟ و کیست که به شناسایی امام رسد؟ یا او را برگزینند؟ نه! نه! خردها گمراه می‌شوند و بردباری‌ها سرگردان و مغزها پریشان و دیده‌ها نابینا، بزرگان فرد می‌شوند و فرزانگان در می‌مانند... .

از جمله حامیان و مدافعان فکری حافظ رجب، می‌توان به ملا محسن فیض کاشانی، محدث و فیلسوف و عارف مشهور، اشاره کرد. فیض، در کتاب معروف خود با نام کلمات مکنونه، به مراتب از احادیث متفرد برسی نقل نموده و بدان استناد کرده است. مدافعانی از این دست، کتاب مشارق الانوار را روی هم رفته نشان دهنده مقام معصومان(ع) می‌دانند و محتوای کلی و عمومی آن را سازگار و منطبق با دیگر احادیث و ادله عقلی و مبانی عرفان اسلامی دانسته و نسبت دادنِ آن به غلو را باطل می‌شمارند.

در محضر قرآن

زبان قرآن کریم

قرآن کریم کتاب هدایت همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی اعصار است. در پهنه‌ی زمین و گستره‌ی زمان و حوزه ی نورافشانی خورشید، قرآن کریم همواره تابان است. نور هدایت قرآن تا آن جا که مرز بشریت است، می‌تابد («وَ ما هیَ الا ذکری للبَشَر» ، «وَ ما هوَ الا ذکرٌ للعالَمینَ») و اختصاص به عَصری خَاص، اقلیمی مخصوص و یا نژادی ویژه ندارد.

خدای سبحان در تبیین قلمرو رسالت پیامبر اکرم(ص)، می‌فرماید : «وَ ما ارسَلناکَ الا کافهً للنّاس» . بنابراین، رسالت آنَ حضرت « جَهانْ شمول » و « ابدی »، کتاب او « جهانی » و « جاودانه »، و قوم او نیز همه‌ی افراد بشر هستند، نه گروهی از مردم حجاز. قلمرو انذار پیامبر اکرم(ص) نیز، گستره‌یَ « عالمَیْن » و همه‌ی افراد و اِبناء بشر معرفی شده است: «تَبارَکَ الذی نَزّلَ الفُرْقانَ عَلی عَبْدِه لیَکونَ للعَالَمینَ نَذیرًا» ، «نَذیرا للبَشَرَ» .

کَتابی که برای هدایت همَگانَ تنزل یافته و از نظر وسعت حوزه‌ی رهنمود، جهانْشمول است، باید از دو ویژگی برخوردار باشد :

۱- به زبانی جهانی سخن بگوید تا همگان از معارف آن بهره مند باشند و هیچ کس بهانه‌ی نارسایی زبان و بیگانگی با فرهنگ آن را، خار راه خود نبیند و از پیمودن صراط سعادت بخش آن باز نایستد.

۲- محتوایش برای همگان مفید و سودمند بوده، احدی از آن بی نیاز نباشد؛ همانند آبی که عامل حیاتِ همه‌ی زندگان است و هیچ موجودِ زنده‌ای در هیچ عصری از آن بی نیاز نیست.

(تفسیر تسنیم، جلد ۱، صص ۳۱ و ۳۲)

۱- مدّثر، آیه ۳۱
۲- القلم؛ آیه ۵۲
۳- سبا؛ آیه ۲۸
۴- الفرقان؛ آیه ۱
۵- مدّثر؛ آیه ۳۶